روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع رسانی: www.jamejamonline.ir www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰-۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کدپستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ شماره پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: چاپخانه روزنامه جام جم

دوشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۰ | ۱۰ ذی‌القعده ۱۴۴۲ | ۲۰ صفحه | سال بیست و دوم - شماره ۵۹۶۷ | استان تهران و البرز ۲۵۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۵۰۰ تومان | Monday - June 21, 2021

حدیث روز: تحف‌العقول

از امام حسن(ع) سؤال شد: کرم چیست؟ فرمود: بخشش قبل از خواهش و طعام دادن به مردم هنگام قحطی.

واحه: شهریار

ماگذشتیم و گذشت آنچه تو با ما کردی
تو بمان و دگران وای به حال دگران

امروز در تاریخ:

- ساعت‌ها در کل کشور یکنواخت شد (۱۳۱۴ ش)
- اعزام نیروهای واکنش سریع آمریکا به خاورمیانه (۱۳۵۸ش)
- صدور رای عدم کفایت ابوالحسن بنی‌صدر توسط مجلس شورای اسلامی / شهادت دکتر مصطفی چمران، سیاستمدار و بنیانگذار جنگ‌های نامنظم در زمان دفاع مقدس (۱۳۶۰ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۶ — غروب آفتاب: ۲۰/۲۴
اذان مغرب: ۲۰/۴۵ — نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۳
اذان صبح (فردا): ۴/۰۲ — طلوع خورشید (فردا): ۰۵/۴۹

وضعیت آب و هوای امروز

تهران	اردبیل	اهواز	بندرعباس	رشت	گرگان	قم	همدان
۳۶ / ۲۷	۲۹ / ۱۲	۴۶ / ۲۹	۴۲ / ۲۹	۳۳ / ۲۳	۳۵ / ۲۳	۴۱ / ۲۴	۳۷ / ۱۶

حکمت ۶۲: نهج‌البلاغه

چون تو را درود گفتند در پاسخ، درودی بهتر گوی و چون دستی از سر احسان به سوی تو دراز شد، به احسانی بیشتر، پاداشش ده و فضیلت از آن کسی است که آغاز کرده است.

تلنگر

کشمکش‌های کشدار

علی رئوف
روزنامه‌نگار

قدیم‌ترها که تبلیغات انتخاباتی فقط محدود به فضای واقعی و حقیقی می‌شد، اوضاع خیلی بهتر بود. از چند وقت قبل از انتخابات، نامزدها شروع می‌کردند به تبلیغات در سطح شهرها، پوسترها و بنرهای تبلیغاتی در معابر و خیابان‌ها علم می‌شد و ستادهای انتخاباتی شروع به فعالیت می‌کردند. نامزدها این‌طرف و آن‌طرف سخنرانی می‌کردند و هواداران‌شان شب‌های نزدیک به انتخابات، خیابان را می‌گذاشتند روی سرشان. هرچه به انتخابات نزدیک می‌شدیم، سر و صدا و هیاهو هم بیشتر می‌شد. طرفداران نامزدهای جناح مخالف، شب‌ها در خیابان یا روزها در کرسی‌های آزاداندیشی و تریبون‌های مردمی رو در روی هم می‌ایستادند و همدیگر را می‌شستند و پهن می‌کردند در آفتاب. چه دوستی‌ها که در جریان دعواهای جناح‌های سیاسی به هم می‌خورد و چه رابطه‌ها که به خاطر مرگ بر فلانی و درود بر فلانی، ترک برمی‌داشت. همه این هیاهوها می‌آمد تا می‌رسید به روز انتخابات و همه آن مردمی که در فضای حقیقی با هم گلاویز بودند، پای صندوق می‌آمدند و رأی می‌دادند. شب شمارش آرا هم باز خیابان‌ها شلوغ بود و باز مردم در خیابان با هم بحث می‌کردند. بعد از اعلام نتایج هم باز خیابان را صدای موسیقی و شادی برمی‌داشت و طرفداران جناح مخالف هم در همان خیابان‌ها گاهی بحث و کل کل می‌کردند و گاهی می‌ایستادند به تماشا. بعد از آن هم همه چیز تمام می‌شد و به شکل عادی برمی‌گشت. رفتگرها پوسترها و تبلیغات را از کف خیابان جمع می‌کردند و هیاهوی مردم هم جارو می‌شد و می‌رفت در پستوی خانه‌ها. مردم از فردای عادی شدن دوباره هموطن بودند و همشهری. دوباره بحث دوست‌ها و آشناها با تمام اختلاف نگاه‌های سیاسی‌شان می‌شد بحث بر سر چیزهایی که با هم اشتراک داشتند و زندگی به روال عادی برمی‌گشت. حالا اما دنیای مجازی همه چیزمان را تغییر داده است. بگذریم از این‌که هیاهوها و بحث‌های خیابانی خشن‌تر شده و بازیگر تلویزیون را در بهارستان به خاطر دیدگاه سیاسی‌اش می‌گیرند زیر مشت و لگد، بحث‌های مجازی هم انگار انتها ندارد. مردم در شبکه‌های اجتماعی با هم بحث و بدترین توهین‌ها را نثار یکدیگر می‌کنند و تفاوتش با قبل این است که هیچ‌وقت تمام نمی‌شود. حتی بعد از انتخابات. حتی بعد از اعلام نتایج.

کافه میرداماد

گفت‌وگو با ساسان مویدی که از زلزله رودبار و منجیل عکاسی کرده است

انتشار عکس‌ها کمک‌های خارجی را زیاد کرد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

خاطره محوی که در ذهنم مانده از روز ۳۱ خرداد سال ۶۹، صدای گریه زنی بود که از رادیو پخش می‌شد. در میان هق‌هق گریه می‌گفت: «سال‌هاست از شهرشان رد می‌شویم و می‌رویم شمال اما الان شهر و خانه‌شان با خاک یکسان شده... باید برویم کمک‌شان... نمی‌شود که رهایشان کنیم.» و یادم هست برادرم که دوره هلال احمر دیده بود ساکش را بست تا راهی رودبار شود که مادرم اجازه نداد. صدای مادرم را به یاد دارم که می‌گفت: «مگر نمی‌شنوی می‌گویند با خاک یکسان شده... من اصلا چه می‌دانم منجیل کجاست که بگذارم تو بروی...» و باز هم یادم هست که مادرم می‌گفت: «می‌گویند از زلزله بویین زهرا بدتر است.» و برادرم که می‌گفت: «من چه می‌دانم بویین زهرا کجا بوده اما می‌دانم رودبار کجاست...» از میان همه این بگومگوها و رادیو و تلویزیون، زلزله ویرانگر منجیل و رودبار یادم مانده و این که محل اتصال کشور با شمال ایران، ویران شده بود و من چقدر غمگین شدم که دیگر رشت و انزلی را نخواهم دید و این که از شمال ایران فقط گرگان را دیده‌ام آن‌هم از خط کناره! تلویزیون نشان می‌داد که منجیل و رودبار تبدیل شده به ویرانه‌هایی که انگار هرگز پررفت‌وآمدترین شهرهای ایران نبوده‌اند. در تصوراتم این خرابی‌ها دیگر هرگز آباد نمی‌شدند. این که ۴۰ هزار نفر در زلزله جان‌شان را از دست داده‌اند برایم تبدیل شد به کابوس. راستش را بخواهید زلزله رودبار، وحشت زلزله را در ذهن همه ایرانی‌ها ماندگار کرد به خصوص که بعد از جنگ بود و ما هراس خرابی‌های جنگ را هم در ذهن داشتیم و البته بعدها هراس‌های بزرگ‌تری هم تجربه کردیم که یکی‌اش زلزله هولناک بم بود.

بچه‌های جنگ، بچه‌های زلزله

در سالروز زلزله منجیل با ساسان مویدی هم‌صحبت شدم؛ عکاسی که یک روز بعد از زلزله راهی آنجا شد. خودش می‌گوید عکاس مجلات سروش بوده و زنده‌یاد بهمن جلالی که مسؤول عکس این نشریات بوده، مویدی عکاس و حسن احمدی و غفورزاده؛ نویسنده و گزارشگر این نشریات را برای تهیه عکس و گزارش اعزام می‌کند به رودبار و منجیل. ساسان مویدی قبل از این عکاسی از جنگ را تجربه کرده و بحران‌ها و فجایع زیادی را به چشم دیده، از خرمشهر بگیر تا حلبچه و هویزه. خودش می‌گوید ۴۰ سال است در وسط بحران زندگی می‌کند. جنگ، زلزله، سیل و بحران‌های اجتماعی مانند مواد مخدر که این روزها بیداد می‌کند. مویدی می‌گوید: در همه این سال‌ها اول از همه لنز دوربینم رفته سمت بچه‌هایی که وسط بحران گیر افتاده‌اند. بچه‌ها برایم همیشه مهم بوده و هستند. چه در جنگ چه در زلزله‌های مهیب مثل رودبار و بم. اوایل جنگ که تهران موشکباران می‌شد، ۵۰ روز از این اتفاق سیاه عکس گرفتم. اولین عکسم را در میدان هفت‌تیر گرفتم؛ بچه ۹ ماهه‌ای در موشکباران کشته شده بود و مراسمش در حال برگزاری بود. تلخ‌ترین اتفاقی که هرگز از یاد نمی‌برم. روزی که به منجیل رسیدیم اولین چیزی که نظرم را جلب کرد بچه‌ها بودند. تعداد زیادی بچه که والدین‌شان را در زلزله از دست داده و یتیم شده بودند. تعدادشان خیلی زیاد بود. بچه‌های زیادی هم زیر آوار مانده بودند. یادم هست هم عکس می‌گرفتم هم جنازه از زیر خاک بیرون می‌کشیدم. هم من و هم آقای احمدی هر دو صاحب فرزند بودیم. من دو تا پسر داشتم و می‌دانستم که بچه به پدر و مادر نیاز دارد و حال و هوای والدینی که فرزند از دست داده بودند و خودشان زنده مانده بودند، هم درک می‌کردم. یادم هست همان زمان تصمیم داشتیم یکی دو تا از بچه‌ها را بیاوریم تهران و بزرگ‌شان کنیم اما شرایط سختی برایمان گذاشتند و نشد این کار را بکنیم. هنوز هم هر زمان از منجیل و رودبار رد می‌شوم همه آن چهره‌ها و اتفاقات جلوی چشمم می‌آید. این روزها از بحران‌های اجتماعی عکاسی می‌کنم، از بحران خانمان‌براندازی به‌نام اعتیاد که باعث شده بچه‌های زیادی کارتن خواب شوند و زباله‌گرد و سرچهارراه‌ها شیشه ماشین‌ها را تمیز کنند یا به بزه روی بیاورند. ریشه همه این نابسامانی‌ها اعتیاد پدر و مادر است. بچه‌ها متاثرم می‌کنند. هر جا که آسیب ببینند، دلم را به درد می‌آورند و تنها کاری که می‌توانم بکنم این است که از آنها عکس بگیرم تا شاید به این وسیله بتوانم نظرها را به سمت آنها جلب کنم و جلوی آسیب‌دیدن بیشتر آنها را بگیرم.

از منجیل تا بم

مویدی می‌گوید: آقای جلالی هماهنگ کرد و ما با خودروی موسسه سروش راهی منجیل شدیم. از قزوین که رد شدیم جاده شکاف برداشته بود و ویرانی‌ها شروع شده بود. روستاهای زیادی با خاک یکسان شده بودند و مردمی که برای کمک آمده بودند کم و بیش به آنها یاری می‌رساندند. کمک‌ها رسیده بود اما نه به روستاهای دوردست. قیامتی بود. هر جا که چشم کار می‌کرد خرابی بود. به مرور که اطلاع‌رسانی‌ها افزایش یافت، کمک‌های داخلی و خارجی بیشتر شد. شبیه این هولناکی را در زلزله بم هم دیدم اما در منجیل و رودبار ما تجربه زیادی در مواجهه با زلزله‌های بزرگ نداشتیم. در بم از تجربه رودبار استفاده کردیم. آقای فرنود از زلزله رودبار عکس گرفته بود و فرستاد برای نشریات خارجی. عکس‌ها تاثیر خوبی داشت و کمک‌های خارجی را روانه ایران کرد. این اتفاق در زلزله بم هم رخ داد. عکس‌هایی که گرفته و مخابره شد برای همراه کردن مردم دنیا با این اتفاق بسیار تلخ خیلی موثر بود. یادم هست برای پوشش زلزله بم به فرودگاه رفتم و با عکاسان، خبرنگاران و امدادگرانی که از ژاپن، دانمارک و فرانسه آمده بودند در یک هواپیما بودم. همه مجهز آمده بودند با سگ‌های زنده‌یاب اما آنچه بیشتر از همه چشمم را گرفت کمک‌رسانی و همیاری ایرانی‌ها بود. این همیاری را در جنگ هم دیده بودم، در منجیل و بم هم دیدم. حالا به قطعیت می‌گویم ما ایرانی‌ها با همه اختلافات فکری و زیستی که شاید داشته باشیم در بحران‌ها مرد و مردانه کنار هم می‌مانیم. در بحران‌هاست که ذات خودمان را نشان می‌دهیم. من از همه این همیاری‌ها و همدلی‌ها عکس دارم.

عکاسان داخلی و خارجی زلزله رودبار و منجیل را پوشش دادند

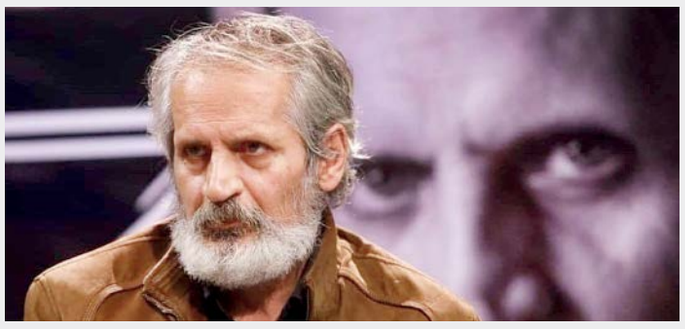

شریف مثل مردم هویزه

مویدی در میان صحبت‌هایش چندبار از هویزه نام می‌برد و از شرافت و ایستادگی مردم این شهر. وقتی دلیل این تاکید را می‌پرسم، می‌گوید: من با چشم خودم دیدم مردم این شهر چقدر ایستادگی کردند تا شهرشان به دست عراقی‌ها نیفتد. هیچ کس، نه زنان و نه مردان، شهر را ترک نکردند و با دست خالی مقاومت می‌کردند. به چشم خود دیدم مردم این شهر را به زور بیرون کردند چون سقوطش حتمی بود. آنها حاضر نبودند هویزه را ترک کنند و این را فقط در هویزه دیدم. این حجم از ایستادگی باید مدام یادآوری شود تا تاریخ بداند تنها شهری که همه مردمش به تمامی و تا آخرین لحظه مقاومت کرد، هویزه بود. من هویزه را خیلی دوست دارم و برای مردمش احترام بسیار زیادی قائلم. آنها بی‌نظیر بوده و هستند. همچنان‌که برای مردم حلبچه احترام زیادی قائلم. روز بعد بمباران شیمیایی حلبچه به این شهر رفتم. چیزهایی دیدم که هنوز هم یادآوری‌شان حالم را دگرگون می‌کند. جوان‌تر که بودم شب‌ها کابوس اتفاقاتی را می‌دیدم که عکاسی کرده بودم. همان اتفاقات الان که پیرتر شده‌ام، کابوس روز و شبم هستند. چه اتفاقات وحشتناکی که دیدم و ثبت کردم؛ جنگ، زلزله، سیل... ۴۰ سال است کارم ثبت بحران‌هاست چون باورم این است که تصاویر و عکس‌ها تاریخ را می‌سازند.

مقطع حساس کنونی

برگ زردی از تاریخ

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

کراسوس هفتم، پادشاهی رئوف و مهربان بود که با اطرافیان خود به نرمی و مهربانی برخورد می‌کرد و بر آنان سخت نمی‌گرفت و آنان نیز هرکار عشق‌شان می‌کشید، می‌کردند. برای مثال سناتورها وقتی برای حضور در جلسات مجلس سنا به محل سنا می‌رفتند، فرزندان ذکور خود را نیز با خود می‌بردند که اندک‌اندک با مسائل حکومتی آشنا و برای حضور در سمت‌های مدیریتی آماده شوند. به‌طوری که کم‌کم بخشی از مجلس سنا به محل جلوس آقازادگان سناتورها اختصاص یافت. روزی سنا تصمیم گرفت درباره موضوعی محرمانه تشکیل جلسه غیرعلنی بدهد و پیش از تشکیل جلسه از سناتورها خواست در روز جلسه استثنائا از آوردن آقازادگان خود به جلسه خودداری کنند. اما یکی از نماینده‌ها در روز جلسه همراه آقازاده خود به جلسه آمد و با دادن تعهد مبنی بر این‌که آقازاده وی موضوع و مفاد جلسه را بیرون از جلسه نقل نخواهد کرد، همراه آقازاده خود در جلسه شرکت کرد. پس از پایان جلسه، وقتی آقازاده مذکور به خانه بازگشت، مادر وی که به نوبه خود همسر سناتور بود از وی خواست موضوع و مفاد جلسه را برای او بازگو کند. آقازاده، که آقازاده شایسته‌ای بود از افشا کردن موضوع و مفاد جلسه خودداری کرد. اما وقتی با اصرار مادر خود مبنی بر دانستن موضوع و مفاد جلسه روبه‌رو شد، از آنجا که به‌رغم شایستگی، خرده‌شیشه‌دار نیز بود به دروغ به مادرش گفت: در جلسه در این باره صحبت شد که قانونی تصویب شود تا مردان بتوانند بیش از یک همسر برای خود اختیار کنند. مادر آقازاده وقتی این حرف را از فرزند خود شنید به‌سرعت نزد همسران سناتورهای دیگر رفت و موضوع را با آنها در میان گذاشت. همسران سناتورها نیز به خانه بازگشتند و با شوهران خود دعوای سختی کردند و اظهار داشتند دیگر حق شرکت در جلسات سنا را به آنان نخواهند داد. به این‌ترتیب سنای روم از حد نصاب افتاد و تعطیل شد و به همین سادگی حکومت روم از حکومت پادشاهی - پارلمانی به حکومت پادشاهی خالی تغییر یافت و تا اطلاع ثانوی به شکل تغییر یافته ادامه داد.

مرور و عبور

جام جم ۲۰۰ سال قبل

تصمیم سران ۳ قوه برای مقابله با مفسدان اقتصادی

چهارمین جلسه ستاد هماهنگی مقابله با فسادمالی و اقتصادی با حضور سران سه‌قوه تشکیل شد در این جلسه پس از گزارش اقدامات ستاد توسط دکتر عارف، راهبردها و سیاست‌های ستاد قرائت و تصویب شد.
پیشگیری از بروز و رشد فساد مالی و اقتصادی، برخورد قاطع و بدون تبعیض با عناصر مجرم، خائن و آلوده، تسهیل راهکارهای قانونی و تصویب قوانین لازم متناسب با شرایط و مقتضیات زمان و تقویت امر نظارت و بازرسی در کشور ازجمله راهبردهای تعیین‌شده در ستاد بود.
در ادامه جلسه، وجود تحریم‌های امنیتی یکی دیگر از خاستگاه‌های فساد اقتصادی و رانت‌خواری شمرده‌شده و بر برخورد با مفسدان اقتصادی در هر پست و مقام و عنوانی تاکید شد. (صفحه یک)

دیدار رئیس‌جمهور کرواسی با رهبر معظم انقلاب

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب روز گذشته در دیدار با رئیس‌جمهوری کرواسی تاکید کردند: عزم جدی دو کشور برای افزایش همکاری‌ها، منافع دو ملت را در پی خواهد داشت. ایشان با اشاره به حوادث تاسف‌برانگیز منطقه بالکان در سال‌های گذشته تصریح کردند: ثبات نسبی این منطقه را می‌توان با احترام به ملت‌ها و مذاهب موجود در منطقه و حفظ حدود کشورها دوام و استحکام بخشید.
ایشان با ابراز خرسندی از توجه دولت فعلی کرواسی به وضع مسلمانان آن کشور افزودند: مسلمانان جزو مجموعه صاحبان آن منطقه هستند و حقوق آنها مانند دیگر مردم باید تامین شود. (صفحه ۲)

طرحی برای بیمه زنان خانه‌دار

طرح تامین اجتماعی زنان خانه‌دار کشور به منظور ایجاد جایگاهی قانونی برای هماهنگی در سیاست‌ها و برنامه‌های بیمه‌ای، حمایتی از زنان خانه‌دار از سوی مرکز امور مشارکت زنان در دست تهیه و تدوین است.
با تصویب این طرح جمعیت ۱۳ میلیونی زنان خانه‌دار کشور تحت پوشش نظام تامین اجتماعی قرار خواهد گرفت و از مزایای تامین اجتماعی بهره‌مند خواهد شد.
مدیر اموراجتماعی مرکز با اعلام این خبر گفت: هدف اساسی این طرح ایجاد امنیت اقتصادی و اجتماعی برای زنانه خانه‌دار در زمان از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، فوت شوهر و سالخوردگی است. تدوین لایحه تامین اجتماعی زنان مراحل پایانی خود را سپری می‌کند که پس از اتمام به هیات دولت تقدیم خواهد شد. (صفحه ۱۳)

جام جم
امشب تکلیف فوتبال جوانان مشخص می‌شود
تسهیلات اعتباری بانکها به بخشهای تولیدی و صادراتی اعلام شد
رسانه
ابراهیم حاجی‌کریم خبرنگار شرمنده‌ام کرد
۱۶ صفحه تعطیلات ضمیمه را بگلان روزنامه امروز
رهبر معظم انقلاب در دیدار رئیس‌جمهوری کرواسی
احترام به ملیت‌ها و مذاهب ثبات سیاسی بالکان را ممکن می‌کند
آب ۳ منطقه تهران امروز قطع می‌شود
زنگ رقابت‌های بین‌المللی جام جودوی فجر به صدا درآمد
تاکید سران ۳ قوه
مفسدان اقتصادی در هر پست و مقامی مجازات شوند
با امتناع رئیس شورای شهر در برابر درخواست ابراهیم اصغرزاده و خبرنگاران
مصوبه چهارشنبه شورای شهر پنهان ماند
واکنش دادگستری استان تهران به محکومیت نماینده همدان
از اعتماد ۵۰ ساله شما سپاسگزاریم

مارلون براندو در انتظار پدرسالار

مارلون براندو امیدوار است بتواند نقش اصلی فیلم پاییز پدرسالار را بازی کند. فیلم، اقتباسی از نوشته معروف گابریل گارسیامارکز است که به همین نام ساخته می‌شود. شون پن تهیه‌کنندگی و کارگردانی این فیلم را به عهده دارد. لوکیشن فیلم یکی از کشورهای آمریکای لاتین خواهد بود. پن گفته براندو انتخاب اول اوست چرا که میزان علاقه این بازیگر کلاسیک به نوشته‌های مارکز کاملا آگاه است. یکی از نزدیکان مارکز گفته که رمان مارکز و فیلمنامه‌ای که براساس آن نوشته‌شده برای براندو اهمیت دارد و دستمزد در درجه‌دوم است. (صفحه ۳)

دست رد مالدینی به عرب‌ها

چزاره مالدینی، ستاره سابق تیم‌ملی فوتبال ایتالیا و مربی نام آشنای این کشور به میلیاردهای عرب پاسخ منفی داد و شوک بزرگی را به آنها وارد کرد. مالدینی که درحال‌حاضر کار نظارت بر فوتبالیست‌های نوجوان و جوان ایتالیا را بر عهده دارد با گفتن نه به نماینده باشگاه ثروتمند الهلال او را دست خالی راهی عربستان کرد تا به سرنوشت دیگر بزرگان فوتبال جهان که در خاک این کشور قربانی شده بودند دچار نشود. (صفحه ۱۵)